



مسئله اصلی همچنان مدرنیته است
گفتاری از جهانگیر معینی علمداری
درباره نسبت سید جواد طباطبایی با اندیشه غرب



هزار و یک شب ایران و آژانس
داستان دنیاله دار چالش های تهران
و نهاد ناظر بر برنامه هسته ای سرانجامی دارد؟



یک گام بلند برای داوری زنان
با تصمیم کمیته داوران مهسا قربانی
یکی از داوران اتاق VAR دربی تهران خواهد بود



سرخوشی بورس تابهار

تحلیل فعالان بازار سرمایه از تحرکات شاخص ها پس از انتخابات

نگاه هم میهن

پایان راست سنتی؟

به بهانه همزمانی درگذشت آیت الله امامی کاشانی با فضای بعد از انتخابات ۱۱ اسفند



مهرداد خدیو
معاون سردبیر

درگذشت و برگزاری مراسم تشییع آیت الله محمد امامی کاشانی که دیروز در حرم رضوی به خاک سپرده شد با روزهایی همزمان شده که ناقوس پایان جریان راست سنتی در ایران در پی انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ به صدا درآمده است؛ روزی که در آن اصول گرایان جوان با بی اعتنایی به فهرست های پیشنهادی راست سنتی پدران خود را کنار زدند تا سکان را خود در دست بگیرند. پیش از این هم البته جریان راست سنتی رو به ضعف نهاده بود وقتی که مهم ترین تریبون خود - روزنامه رسالت - را که صدای آنان در دهه ۶۰ و در تقابل با دولت میرحسین موسوی به حساب می آمد به اصولگرایی با خواست محمدباقر قالیباف سپردند ولی از آن می توانستند به مثابه پوست اندازی و تغییر نسل و نوسازی هم یاد کنند حال آنکه بر ماجرای ۱۱ اسفند چنین تفاسیری بار نمی شود و به کار نمی آید و جز پایان یک دوران، عنوانی بر آن مترتب نتواند بود اگر چه دست کم در مؤلفه رسم بر این نیست، صدایی که قبل از انتخابات با واکنش شدید به تمثیل چنان و پاچوش از زبان یکی از مهم ترین نمادهای غیر معمم راست سنتی (حداد عادل) شنیده شد و حکایت بعدی و باز از زبان یکی از پاچوش ها که حالا نماینده سوم تهران در مجلس شورای اسلامی شده است، خواندنی است: امیر حسین ثابتی که در فهرست صبح ایران آقای رانفی پور و «امنا» قرار داشت و بر راست سنتی با چهره های مختلف شوریده بود در شامگاه ۱۱ اسفند در شبکه ایکس نوشت: «امروز در مسجد لوزاده وقتی داشتیم اسامی نامزدها را می نوشتیم آقای حداد عادل ناگهان از کنار عبور کرد. یک دفعه چند نفر با گلایه گفتند: این دوره دیگر پاچوش ها را می آورند! ایشان توقف کرد و گفت: این حرف ها جوسازی است. منظور من چیز دیگری بود... اما من بر خاستم و گفتم: سلام، دکتر! من پاچوش اصلی هستم». ادبیاتی که با توجه به نتایج انتخابات به این معنی است که دیگر حتی برای عذرخواهی هم دیر شده، چه رسد به توضیح او هم مانند مجری دیگری تلویزیون به حضورشان در صحنه در اتفاقات ۱۴۰۱ و ۹۸ اشاره کرد و این گونه قابل تفسیر است که اگر «غرامت» را ما می پردازیم «غنیمت» هم باید از آن ما باشد. می دانیم که راست سنتی به رغم ادعای شیخوخیتی که در نگاه جوان ترها با قیومیت و دیگر صغیر پنداری تفسیر می شد، از انتخابات اخیر طرفی نبسته و ناباورانه میدان را به چهره های پایداری سپرده که ترجیح می دهند از رهبر فقید و معنوی خود - مصباح یزدی - نیز نه با عنوان فقهی «آیت الله» که به صورت «مرحوم علامه» یاد کنند. کما اینکه در مؤسسه او اگر چه دروس حوزوی می خوانند ولی با حوزه متفاوت است و از ابتدا با راست سنتی زاویه داشتند. اگر جنس تقابل راست سنتی با مدرنیته با نگاه دیروز است اینان اما بعضاً نگاه آخرالزمانی و فردایی دارند و به همین خاطر مدام تعابیر تازه به کار می برند. البته در نوع تعامل با دیگر اصولگرایان مادام که خود آقای مصباح در قید حیات بود، می کوشید با شرکت در برخی نشست ها با سران راست سنتی (آیت الله مهدوی کنی، دبیرکل جامعه روحانیت مبارز و آیت الله محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) از حساسیت ها بکاهد اگر چه اصرار داشت سازه های خود را کوک کند کما اینکه ناگهان از باقری لنگرانی به عنوان بهترین گزینه در بین زمین و آسمان یاد کرد که در قاموس هیچ یک از راست گرایان سنتی جایی نداشت. هر چه مصباحون بیشتر جوشیدند و کوشیدند و برکشیدند سرکشی جوان ترها هم افزون تر شد و در مقابل راست سنتی به مرور رو به افول گذاشت اگر چه خود را از تک و تانمی انداخت و امروز یکی از آخرین نمادهای این جریان محافظه کار به خاک سپرده شد. نواصول گرایان جوان اگر چه بر ابزار و اثبات وفاداری خود به ساختار سیاسی و رهبری عالی جمهوری اسلامی در گفتار و رفتار اصرار دارند اما به وضوح می گویند دیگر بزرگ و بالغ شده اند و از جریان راست سنتی اعلام استقلال کرده اند.



گزارش سیاست ۴-۵

آینده قالیباف پس از ۱۱ اسفند

بررسی سناریوهای پیش روی رئیس مجلس یازدهم: او متحدان سیاسی خود را تغییر می دهد؟

سرمقاله

ملتی مستقل

یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب این بود که استقلال سیاسی را به معنای دقیق کلمه محقق کرد. گرچه در سال های اخیر و به دلایلی بخشی از این استقلال یا میراث مهم انقلاب دچار ضعف شده است، ولی در هر حال می توان با اطمینان گفت که کماکان وضعیت استقلال سیاسی در ایران در شرایط خوبی قرار دارد. این استقلال دو وجه دارد: وجه اول، استقلال سیاسی در سطح تصمیمات دولتی و حکومتی است. سطحی که پیش از انقلاب بدون هماهنگی یا مشورت یا دستورگیری از قدرت های خارجی غربی، محقق نمی شد؛ نه لزوماً در همه امور، بلکه در مسائل اصلی تبعیت سیاسی وجود داشت. شاید یکی از عللی که برخی معتقدند قدرت های خارجی در وقوع انقلاب نقش داشتند، همین فقدان استقلال سیاسی در سطح حکومت بود که گمان می کردند هیچ کدام از سیاست های شاه بدون جلب نظر و موافقت غربی ها اجرایی نخواهد شد.

پس از کاشتن سه نهال از جمله زیتون برای اعلام همبستگی با مردم فلسطین در روز درختکاری

رهبری: حضور مردم در انتخابات جهاد بود